

الزهر، مسئولیت تاریخی و ضرورت نگاه جامع به تحولات جهان اسلام



بیانیه اخیر الزهر شریف درباره تحولات نظامی منطقه و محکومیت اقدامات جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر این پرسش مهم را پیش روی نخبگان جهان اسلام قرار داده است که نهادهای مرجع دینی در مواجهه با بحران‌های پیچیده ژئوپلیتیکی تا چه اندازه می‌توانند از نگاه‌های یک‌جانبه فاصله گرفته و تصویری جامع از واقعیت‌های میدانی ارائه دهند؟

بی‌تردید الزهر شریف یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی و دینی اهل سنت در جهان اسلام است و مواضع آن صرفاً یک اظهار نظر سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه بر افکار عمومی مسلمانان در کشورهای مختلف تأثیرگذار است. از همین رو انتظار می‌رود چنین نهادی در ارزیابی بحران‌های منطقه‌ای، به جای تمرکز بر نتایج و پیامدهای ظاهری یک رخداد، به زمینه‌ها، عوامل شکل‌دهنده و ریشه‌های اصلی بحران نیز توجه کند.

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر بیانیه اخیر الزهر، فقدان نگاه جامع به زنجیره تحولات امنیتی منطقه است. در این بیانیه، واکنش ایران مورد انتقاد قرار گرفته، اما نقش حضور گسترده نظامی

آمریکا در منطقه، حمایت همه‌جانبه واشنگتن از رژیم صهیونیستی، استفاده از برخی پایگاه‌های نظامی در کشورهای اسلامی برای اعمال فشار بر کشورهای مستقل منطقه و همچنین تجاوزات مکرر اسرائیل علیه ملت فلسطین، مورد توجه قرار نگرفته است.

این نوع مواجهه، ناخواسته این تصور را ایجاد می‌کند که بخشی از واقعیت دیده شده و بخش دیگر نادیده گرفته شده است. حال آنکه از منظر فقه سیاسی اسلام، داوری درباره یک نزاع بدون بررسی علل و مقدمات آن، نمی‌تواند داوری کاملی باشد. قرآن کریم مسلمانان را به رعایت عدالت حتی در مواجهه با طرف‌های مورد اختلاف فرا می‌خواند و تأکید می‌کند که دشمنی با گروهی نباید موجب ترک عدالت شود.

از منظر راهبردی نیز پرسش مهمی مطرح است: آیا می‌توان درباره ناامنی‌های منطقه سخن گفت، اما درباره مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در دهه‌های اخیر یعنی اشغالگری اسرائیل، گسترش حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تبدیل برخی کشورهای اسلامی به میدان رقابت قدرت‌های جهانی سکوت کرد؟

واقعیت آن است که بخش مهمی از افکار عمومی جهان اسلام، ریشه بحران‌های کنونی را نه در واکنش‌های دفاعی کشورهای منطقه، بلکه در استمرار پروژه سلطه خارجی بر غرب آسیا می‌دانند. از این منظر، هرگونه تحلیل که صرفاً بر واکنش‌ها تمرکز کند و نسبت به عوامل اصلی بحران سکوت نماید، با پرسش‌های جدی مواجه خواهد شد.

نکته مهم دیگر، مسئله مسئولیت کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی خارجی است. در ادبیات حقوق بین‌الملل، کشوری که سرزمین خود را در اختیار عملیات نظامی علیه کشور دیگر قرار می‌دهد، نمی‌تواند به طور کامل خود را خارج از معادله درگیری معرفی کند. در فقه اسلامی نیز همکاری با ظلم و فراهم ساختن زمینه تعدی علیه دیگران، همواره مورد نکوهش قرار گرفته است. از این رو انتظار می‌رود نهادهای دینی جهان اسلام در کنار محکوم کردن هرگونه آسیب به غیرنظامیان، نسبت به اصل حضور نیروهای بیگانه در سرزمین‌های اسلامی نیز موضعی روشن داشته باشند.

در سطحی عمیق‌تر، مسئله اصلی به نوع نگاه بخشی از نخبگان دینی عرب به تحولات منطقه بازمی‌گردد. طی دهه‌های اخیر، برخی نهادهای دینی تحت تأثیر ملاحظات دولت-ملت‌ها و موازنه‌های سیاسی منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. نتیجه چنین رویکردی آن است که گاه تحلیل‌های دینی به جای آنکه از منطق «امت اسلامی» تبعیت کنند، در چارچوب ملاحظات امنیتی و سیاسی دولت‌های خاص تفسیر می‌شوند. این وضعیت، خطر فاصله گرفتن نهادهای دینی از رسالت تاریخی خود به عنوان مرجع عدالت‌خواهی و دفاع از مصالح کلان امت

اسلامی را در پی دارد.

از منظر وحدت اسلامی نیز چنین مواضعی نیازمند تأمل جدی است. وحدت به معنای یکسان‌اندیشی سیاسی نیست و طبیعی است که میان کشورهای اسلامی و حتی میان مراکز علمی و دینی اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ اما هنگامی که یک نهاد معتبر اسلامی در تحلیل یک بحران، تنها یک طرف منازعه را مورد انتقاد قرار دهد و نسبت به عوامل اصلی شکل‌گیری بحران سکوت کند، زمینه سوء برداشت و تعمیق شکاف‌های موجود در جهان اسلام فراهم می‌شود.

امروز امت اسلامی بیش از هر زمان دیگری نیازمند گفتمان عدالت، گفت‌وگو و فهم مشترک از تهدیدهای واقعی است. تهدید اصلی جهان اسلام نه اختلافات داخلی مذاهب اسلامی، بلکه پروژه‌های سلطه‌طلبانه‌ای است که از شکاف‌های موجود برای تضعیف قدرت مسلمانان بهره می‌برند. هر موضعی که به صورت ناخواسته این اولویت را مخدوش کند، می‌تواند به همگرایی اسلامی آسیب وارد سازد.

بر همین اساس، انتظار می‌رود ال‌زهر شریف، به عنوان نهادی با سابقه تاریخی و جایگاه ممتاز در میان مسلمانان، در مواضع آینده خود با نگاهی فراگیرتر، ضمن محکوم کردن هرگونه تعرض به جان غیرنظامیان، به ریشه‌های اصلی بحران‌های منطقه نیز توجه کند؛ ریشه‌هایی که در اشغالگری، مداخله خارجی، حمایت از رژیم صهیونیستی و تضعیف استقلال کشورهای اسلامی قابل جست‌وجو است. تنها در چنین صورتی است که نهادهای دینی می‌توانند نقش واقعی خود را در تقویت وحدت امت اسلامی و دفاع از عدالت در جهان اسلام ایفا کنند.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی